دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ٦، شماره ١١، بهار و تابستان ١٣٩٨

سخت ترجمه‌پذیری اسماءالحسنی
با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی اسامی خاص

ابوالفضل حری[1*]

١- استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، ایران

دریافت: ١٣٩٧/٥/٥ پذیرش: ١٣٩٨/٣/٢٥

چکیده

پژوهش حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی، به سخت‌ترجمه‌پذیری و چالش‌های پیش روی مترجمان در برگردان تعدادی از اسماءالحسنی، در برخی ترجمه‌های انگلیسی قرآن و در پرتو الگوهای پیشنهادی برای برگردان اسامی خاص، پرداخته است. همه بحث این است که اسماءالحسنی با اندکی تسامح، در حوزه اسامی خاص قرار می‌گیرند که در مطالعات ترجمه، الگوهایی برای بررسی ترجمه آن‌ها ارائه شده است. این جستار تلاش نموده از الگوی پیشنهادی لپیهالم و بیکر برای توصیف، تحلیل و بررسی اسماءالحسنی استفاده کند. لذا در گردآوری دادگان، اسامی یازده‌گانه خداوند، در آیات ٢٣-٢٤ سوره حشر، در نُه ترجمه انگلیسی در قالب جداول بررسی شده‌اند. سپس با استفاده از منابع تفسیری، معنای مشترک میان اسامی خداوند استخراج و با معادل‌های انگلیسی، بررسی تطبیقی و ارزیابی گردیده اند تا معلوم شود مترجمان از چه راهبردهایی در ترجمه استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد مترجمان نتوانسته‌اند وجوه معنایی رنگارنگ این اسامی را انتقال دهند و عمدتاً از ترجمه معنایی و به طور خاص از جایگزینی با اسمی مشابه، بازگزاری و ترجمه تحت‌الفظی، در ترجمه اسامی خداوند استفاده کرده‌اند. از این رو، اسماءالحسنی در برگردان به زبان انگلیسی، سخت ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند.

واژگان کلیدی: اسماءالحسنی، سخت‌ترجمه‌پذیری، اسامی خاص، بازگزاری، جایگزینی

*نویسنده مسئول مقاله: Email: horri2004tr@gmail.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

١- مقدمه

این مقاله، دنباله مقاله سخت‌ترجمه‌پذیری کتاب المبین است (بنگرید به حری، ١٣٨٦). در آن مقاله، حری، سخت‌ترجمه‌پذیری قرآن را در سطح آوایی بررسی کرد و نشان داد که ترجمه ویژگی‌های آوایی هر زبان عموماً و ویژگی‌های آوایی زبان قرآن به‌ویژه، کاری اگر نه ناممکن، اما بسیار مشکل‌آفرین است. از جمله دلایل این امر نیز، یکی این است که امکان برقراری اگر نه همانندی کاملاً برابر، حتی تعادلی معمولی نیز امکان‌ناپذیر است. از این رو، در آن مقاله پیشنهاد شد شاید اگر مفهوم مشابهت جایگزین مفاهیم همانندی[1] و معادل[2] شود، مترجم آسان‌یاب‌تر می‌تواند ویژگی‌های آوایی را به زبانی دیگر برگرداند. به دیگر سخن، اگر مترجم متونی خاص مثل قرآن، بتواند برای ویژگی‌های آوایی و واجی زبان مبدأ که ترجمه‌ناپذیر جلوه می‌کند، مشابهت‌ها و متناظرهای جایگزین در زبان مقصد دست و پا کند، تا حدودی بتواند وفاداری خود را به صورت زبان مبدأ نشان بدهد. حال، هرچه جنبه‌های ادبی و به ویژه دین‌شناختی و قدسی متونی مانند قرآن، پررنگ‌تر می‌شود، کار مترجم نیز در یافتن معادل‌ها و متناظرها، به همان نسبت دشوارتر می‌گردد. وانگهی، ارائه تفسیر و پانوشت و توضیحات اضافی مترجم نیز از دیگر راه‌های برگردان دقیق‌تر ویژگی‌های زبانی قرآن به‌شمار می‌آید. در مجموع، حری در آن مقاله، ترجمه‌ناپذیری و یا سخت‌ترجمه‌پذیری قرآن را در سطح ویژگی‌های آوایی و واج‌شناختی مطرح کرد.

با این حال، گاه، سخت‌ترجمه‌پذیری، از سطح آوایی و واجی فراتر می‌رود و سطح واژگان، عبارات و البته سایر سطوح نحوی، معنایی و کاربردی را در برمی‌گیرد. واژگان، از جمله اولین و اساسی‌ترین واحدهای معنایی در قرآن به حساب می‌آیند. در واقع، در زبان قرآن، انتخاب و چینش واژگان در مقام کوچک‌ترین واحد معنادار زبان، به ترتیبی است که هر واژه به‌طور دقیق در محل مناسب خود قرار گرفته و هرگونه جابجایی و یا تغییر معنا از رهگذر ترجمه، زیبایی و معنای واژه را برهم می‌زند. با این حال، گاه، امکان تطابق کامل میان واژگان زبان مبدأ و زبان مقصد فراهم نیست و از این حیث برقراری همانندی و تعادل

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

متناظر و کامل، سخت ممکن و گاه، ناممکن می‌شود. نکته مهم دیگر این‌که، واژگان قرآنی از حیث ساخت واژگانی، نحوی، معنایی، متنی، بافتی، سبکی و بلاغی، ویژگی‌های خصیصه‌نما و تمایزبخش دارند و همین کار، برگردان این واژگان را با دشواری روبرو می‌کند، به گونه‌ای که گاه سخت ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند. به باور عبدالرئوف (۲۰۰۱: ٦٨)، گفتمان قرآنی، چشم‌اندازی زبانی است که رنگین کمانی از «ویژگی‌های نحوی، معنایی، بلاغی، آوایی و فرهنگی آن را احاطه کرده است»؛ ویژگی‌هایی که به گفته عبدالولی (۲۰۰۷: ٤) از دیگر انواع نثر عربی متمایز است و از رهگذر ترکیب همین ویژگی‌هاست که بافت زبانی منحصر به فرد قرآنی در برابر دیدگان خواننده قرار می‌گیرد؛ بافتی که هماهنگی میان سطوح نحوی، معنایی و عروضی بر آن حاکم است. از این رو، پیداست واژگان، بخشی از این رنگین‌کمان را شکل می‌دهد و اگر قرار باشد این رنگین‌کمان با نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین حالت در زبانی دیگر نیز بازتاب پیدا کند، لازم است در فرآیند ترجمه، به هماهنگی میان این ویژگی‌ها توجه شود. در این جستار، فقط فرصت است که برگردان واژگان و به طریق اولی، آنچه در فرهنگ اسلامی به «اسماءالحسنی» بشناخته‌اند، بررسی شود، لیکن پیداست برگردان پذیرفتنی از واژگان قرآن، فقط در سایه توجه به تمام اجزای این رنگین‌کمان حاصل می‌آید.

۱-۱- بیان مسأله

در اینجا، درخصوص برگردان اسماءالحسنی به زبان انگلیسی چند مسأله مطرح می‌شود:

الف) اسماءالحسنی[۳] اسامی و صفات ناظر به ذات اقدس الهی محسوب می‌شود و در فرهنگ اسلامی، بارهای معنایی و تلویحی دینی و فرهنگی دارد. برای نمونه، علامه طباطبایی در معنای اسماء الحسنی می گوید: «اسم در لغت به معنای "دال بر چیز" است خواه فقط مشیر به ذات شیء باشد و یا علاوه‌براین، بر معنای وصفی موجود در ذات دلالت کند. واژه حُسنی که مؤنث أحسن و اسم تفضیل است، مشخص می‌کند که مراد از اسماء در اینجا، اسمائی است که علاوه بر ذات متعالی حضرت حق، بر معنای وصفی دلالت دارد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

همچنین مشخص می‌سازد که این اسماء الهی نه تنها حسن است، بلکه احسن نیز است. بنابراین، اسماء الحسنی، اسماء و اوصافی هستند که بر صفت و کمال حضرت حق دلالت دارند، به گونه‌ای که از هر نقص و عدم خالی است» (طباطبایی، ١٣٩٣: ٣٤٤-٣٤٢)[٤].

ب) این اسامی، معنایی واحد و یکسان ندارند و بسته به این‌که در چه سوره یا بافتی به کار رفته باشند، معناهای متعدد و چندگانه پیدا می‌کنند.

ج) این اسامی، ساخت‌های واژگانی، معنایی، متنی، بافتی، سبکی و بلاغی متفاوتی دارند که ویژگی‌های خصیصه‌نمای این اسامی محسوب می‌شوند.

د) همین ویژگی‌های تمایزبخش، کار برگردان آن‌ها را به زبانی دیگر و در این‌جا، زبان انگلیسی، با دشواری روبرو کرده است. از این رو، عمده مترجمان تلاش کرده‌اند از شگردها و راهکارهای مختلف از جمله جایگزینی با اسمی مشابه، بازگزاری یا نقل به معنا، و گاه، حذف استفاده کنند.

هـ) به سهولت نمی‌توان این اسامی را در یکی از دسته‌های مرسوم، مثلاً «اسامی خاص»[٥]، قرار داد و از این رو، اسماءالحسنی با هیچ یک از طبقه‌بندی‌های مرسوم اسامی خاص که ترجمه‌پژوهانی مانند نیومارک[٦] (١٩٨٨)، هاروی و هیگنز[٧] (١٩٩٢)، بیکر (١٩٩٢)، لیپهالم[٨] (١٩٩٧) از میان سایرین، مطرح کرده‌اند، تمام و کمال همخوانی ندارند و با تسامح، می‌توان آن‌ها را ذیل اسامی فرهنگ-محور[٩] جای داد. با این حال، برای بررسی روش‌شناختی، چاره‌ای نیست که این اسامی را جزو اسامی خاص فرهنگ محور لحاظ کنیم و برای بررسی آن‌ها از دسته‌بندی‌های مرسوم اسامی خاص استفاده کنیم.

و) این اسامی که در عرف فرهنگ اسلامی مشتمل بر ٩٩ اسم و/ یا صفت، در حکم اسم هستند و جملگی اسامی جلاله برای لفظ خدا در قرآن محسوب می‌شوند، نه فقط معنای خاص اصطلاحی خود را دارند، بلکه در ترکیب با اسمی دیگر و در رابطه بینا-آیه‌ای و بینا-سوره‌ای و در واقع در بافت سوره‌ای که ذکر شده‌اند، ممکن است معناها و تفاسیر تازه‌ای پیدا کنند. از این رو دیگر برگردان صرف این اسامی مطرح نمی‌شود و لازم است به

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

بافت درون/برون زبانی مرتبط با این اسامی نیز توجه شود. چه برای نمونه، ممکن است معنای عبارت «**العزیز الحکیم**» با توجه به بافت و سیاق آیه از سوره‌ای به سوره دیگر فرق کند، در عین این‌که، معنای اصلی عبارت، ممکن است در خارج از بافت، بدون تغییر بماند، چون بسیاری از این اسامی معناهایی نزدیک به هم دارند و از همین روست که برگردان این اسامی اگر نه ناممکن، بلکه سخت ممکن می‌شود.

ز) ممکن است این اسامی در تفاسیر مختلف، تعابیری گوناگونی پیدا کنند که لازم است مترجمان در فرایند برگردان به زبانی دیگر به آن‌ها توجه نشان دهند.

این هفت عامل، در کنار سایر عوامل سبب می‌شود که برگردان اسماءالحسنی به زبانی دیگر، با دشواری‌هایی همراه باشد و آن‌ها را نه ترجمه‌ناپذیر بلکه سخت‌ترجمه‌پذیر جلوه دهد. در جستار کنونی، دشواری‌های برگردان انگلیسی یازده اسم جلاله، موجود در آیات ۲۳-۲٤ سوره حشر و شیوه‌های ترجمه نُه مترجم در بازه زمانی ۱۷۳٤-۲۰۰٦ در پرتو راهکارهای پیشنهادی بیکر (۱۹۹۲) و لیپهالم (۲۰۰۷) بررسی و بحث و فحص می‌شود.

۱-۲- پیشینه مطالعاتی مرتبط با ترجمه اسامی خاص

واژگان و عبارات قرآنی به سبب ویژگی‌هایی که دارند، از یک سو، از متعارف‌ترین تا خاص‌ترین و فرهنگ‌وابسته‌ترین واژگان و از سوی دیگر، از آسان‌ترجمه‌پذیری تا سخت‌ترجمه‌پذیری و گاه البته، ترجمه‌ناپذیری، طیف‌بندی می‌شوند. برطبق قاعده‌ای کلی و نه چندان استوار و متقن، هرچه از متعارف‌ترین واژگان به سمت خاص‌ترین واژگان و عبارات سوق می‌یابیم، به همان نسبت، میزان ترجمه‌پذیری هم، از سهل‌ترین به سخت‌ترین میل پیدا می‌کند. در این جستار، با بررسی برگردان متعارف‌ترین واژگان سر و کار نداریم، بلکه عمدتاً به واژگانی می‌پردازیم که در فرایند برگردان، دشوارآفرین جلوه می‌کنند. حال، این سخت‌ترجمه‌پذیری هم، البته بسته به این‌که این واژگان تا چه اندازه در زبان مقصد، معادل یا مشابه دارند یا ندارند؛ یعنی آیا می‌توان آن را به یکی از دو شیوه مستقیم و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

غیرمستقیم و انواع آن‌ها (در دسته‌بندی وینه و داربلنه)، صوری/ پویا (در تقسیم‌بندی نایدا)، معنایی/ ارتباطی (در نیومارک)، از میان سایر تقسیم‌بندی‌ها، برگرداند یا برنگرداند، طیف‌بندی مدرجی خواهند داشت. همچنین، برخی از این واژگان ذیل اسامی خاص قرار می‌گیرند که در مطالعات ترجمه، چگونگی برگردان آن‌ها به تفصیل آمده است.

برای نمونه، نیومارک (١٩٨٨)، اسامی را به پنج دسته کلی تقسیم می‌کند:

اسامی خاص؛ اصطلاحات نهادی تاریخی؛ اصطلاحات نهادی بین‌المللی؛ اصطلاحات نهادی ملی؛ اسامی فرهنگی.

لپیهالم (١٩٧٧) نیز، راهکارهایی برای برگردان اسامی خاص ارائه کرده و برخی پژوهشگران ایرانی نیز، برگردان این اسامی را در آثار مختلف بررسی کرده‌اند. از جمله: پیرنجم‌الدین (١٣٨٦)، میرزاسوزنی (١٣٨٧) و عنابی‌سراب (١٣٨٨).

پیرنجم‌الدین، ضمن بررسی تلمیح اسامی خاص در پنج ترجمه انگلیسی *گلستان* سعدی به قلم اندرسون، برتن، ایستویک، راس و ریهاتسک، ترجمه تلمیح را یکی از دشوارترین جنبه‌های برگردان متن ادبی تلقی کرده است؛ چون معتقد است در این عنصر فرهنگ محور، اشارات ضمنی در زبان و فرهنگ مبدأ (و نه الزاماً در زبان و فرهنگ مقصد)، دخالت دارد. نویسنده ابتدا، اسامی خاص و معادل‌های منتخب پنج مترجم را استخراج و در پرتو الگوی لپیهالم، راهکار هر مترجم را در ترجمه این اسامی خاص بررسی کرده است.

میرزاسوزنی (١٣٨٧: ٩) نیز، اسامی خاص را از حیث معنایی، به چهار دسته تقسیم می‌کند: مادی یا جسمانی، مجازی، فنی، و عامیانه.

عنابی‌سراب نیز، ترجمه اسامی خاص را در رمان‌های ترجمه شده از انگلیسی به فارسی برای نوجوانان، بررسی و راهکارهای مترجمان را بحث کرده است.

حال، ممکن است برخی واژگان و عبارات قرآنی و به طور خاص، اسماءالحسنی در این دسته‌بندی‌ها قرار گیرند و بتوان راهکارهایی برای برگردان آن‌ها به ویژه در پرتو راهکارهای پیشنهادی بیکر و لپیهالم ارائه داد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

با این حال، پیداست اسامی خاص موردنظر ترجمه‌پژوهان با اسماءالحسنی در قرآن از حیث صورت؛ یعنی توجه به وجوه زبانی و ساخت واژگانی و البته محتوا؛ یعنی توجه به وجوه معنایی و دینی این اسامی، فرق دارد و شاید به همین دلایل صوری و محتوایی است که کم‌تر به معاینه در آمده‌اند. معهذا، چندین کتاب، مقاله و رساله، ویژگی‌های صوری و محتوایی اسماءالحسنی و ترجمه آن‌ها به سایر زبان‌ها و از جمله انگلیسی را بررسی کرده‌اند.

در اینجا، البته به آثاری اشاره نمی‌شود که به صورت پراکنده و در راستای اهدافی دیگر، مثلاً بررسی کلی ترجمه یک مترجم، برخی از این اسامی را به مثابه شاهد مثال، بررسی کرده‌اند یا به آن دسته اسماء جلاله پرداخته‌اند که اظهر من‌الشمس هستند؛ مثلاً عبارت «**الرَّحمَن الرَّحیم**» در آیه مبارکه ﴿**بسم الله الرَّحمَن الرَّحیم**﴾.

در این جستار، به آثار مرتبط با مطالعه اسامی جلاله پرداخته می‌شود.

الملّا (۱۹۸۹)، در بخشی از رساله دکتری منتشر نشده خود، ترجمه چندین اسماءالحسنی را در نُه ترجمه سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، داوود، اسد، فرید و ایروینگ بررسی می‌کند؛ با این امید که بتواند این «ادعای نیومارک را اثبات کند که گفته است هنگامی که مفاهیم، ترجمه می‌شوند، غالباً از معنای اصلی خود تهی می‌شوند یا این‌که معنای ثانویه‌ای را به ذهن متبادر می‌کنند» (همان: ٣٢٤). این اسامی عبارتند از: «**الله**»، «**الرحمن الرحیم**»، «**الخالق**»، «**الباری**»، «**المصوّر**»، «**القیوم**»، «**الصمد**»، و «**الشدید المحال**».

برای نمونه، درباره «**الباری**» می‌نویسد: «الباری یعنی آن‌که بسط و گسترش می‌دهد {که فرایندی} میان «**الخلق**» و «**التصویر**» بوده و عمده مترجمان آن را به maker برگردانده‌اند» (همان: ٣٢٧).

الملّا، پس از بررسی ترجمه این اسامی، جمع‌بندی می‌کند؛ «مفاهیم و عبارات قرآنی ترجمه‌ناپذیرند و اگر قرار بر ترجمه باشد، بهتر است از ترانویسی و توضیحات لازم در پانوشت استفاده شود» (همان: ٣٣٢).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

صفارزاده (١٣٧٩) نیز، گزیده‌ای از اسماءالحسنی را در چهار ترجمه انگلیسی آربری، میراحمدعلی، پیکتال، و یوسف‌علی بررسی و شخصاً نیز ترجمه‌ای برای این اسامی ارائه کرده است. در عین حال، ترجمه‌های پیشنهادی ایشان نیز خالی از اشکال و ایراد نیست که هدایی (١٣٨٠)، به برخی از این اشکالات اشاره کرده است. صفارزاده ضعف مترجمان انگلیسی را عدم توجه به تمامی وجوه معنایی این اسامی عنوان کرده است.

عبدالرئوف (٢٠٠١) نیز، ذیل بحث ترجمه‌ناپذیری قرآن، از اسماءالحسنی نیز نام می‌برد. ایراد اصلی عبدالرئوف به مترجمانی است که اسماءالحسنی را با سایر اسامی با معنای مشابه به ویژه در سایر زبان‌ها، اشتباهی می‌گیرند. درباره بن شمش و برداشت اشتباه او از صفات رحیم و رئوف می‌نویسد: «بن شمش، در بحث درباره ٩٩ اسماءالحسنی، معتقد است برخی از این اسامی تکراری است. برای نمونه، او معناهای ظریف و تفاوت‌های دقیق بین صفت «**رحیم**» (بخشنده، بخشایشگر، فیاض) و «**رئوف**» (مهربان و مهرگستر) را با هم اشتباه می‌کند. از این رو در ترجمه عبری خود از قرآن، «**رحیم**» را مهربان/ محبوب ترجمه می‌کند (همان: ٦١).

فراهانی و اسدی (٢٠١٣) نیز، در مقاله خود به این پرسش پرداخته‌اند که چگونه سه مترجم یعنی شاکر، قرایی و نیک‌آیین، در سه ترجمه انگلیسی خود از قرآن، اسماءالحسنی را ترجمه کرده‌اند. آن‌ها ترجمه این اسامی را در سطوح واژگانی و معنایی بررسی و به راهبردهای مترجمان در ترجمه این اسامی اشاره کرده و نتیجه گرفته‌اند. ایجاز واژگانی و سایه‌روشن‌های معنایی در اسماءالحسنی از جمله مشکلات مترجمان بوده و سه مترجم به ترتیب در ترجمه این اسامی از راهبردهای شبه‌ترادف، بسط معنایی و امتزاجی از هر دو، استفاده کرده‌اند.

با این حال، مبسوط‌ترین تحقیق درباره اسامی خداوند و بررسی برخی از ترجمه آن‌ها، متعلق است به رساله منتشر نشده الغامدی (٢٠١٥) که گزیده‌ای از اسامی را در پنج ترجمه انگلیسی پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان و عبدالحلیم بررسی کرده و نتیجه گرفته

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

که، این مترجمان، جملگی نه فقط به ظرافت‌های معنایی این اسامی پی نبرده‌اند، بلکه نتوانسته‌اند این واژگان را دقیق و یکسان به انگلیسی برگردانند. با این حال، او ترجمه آربری را از سایرین کارآمدتر تشخیص می‌دهد. الغامدی، پیشنهاد می‌کند برای رفع نواقص در ترجمه این اسامی از فناوری‌های رایانه‌ای مانند حافظه ترجمه[۱۰] و واژه‌یاب‌های دو زبانه[۱۱] استفاده شود.

ناظریان و عباسیان (۲۰۱۷) نیز، ترجمه اسامی خداوند را در سه ترجمه فارسی و انگلیسی نیک آیین، صفارزاده و کوشا، از منظر جنسیت و در پرتو الگوی میرعمادی و راهبردهای ترجمه چسترمن، بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که، ایجاز واژگانی[۱۲]، طبقه واژگانی[۱۳] و خلاءهای نحوی و معنایی[۱۴] از جمله مشکلات پیش روی مترجمان در ترجمه این اسامی بوده است. در این میان، به گفته این محققان، نیک‌آیین و کوشا در مقام مترجمان مرد، بیش‌تر از راهبرد شبه‌ترادف[۱۵] و صفارزاده از راهبرد تغییر ساختاری[۱۶] استفاده کرده‌اند.

۱-۳- پرسش تحقیق

در جستار کنونی، علاوه بر توجه به یافته‌های آثار پیشین، پرسش اصلی این است که سخت‌ترجمه‌پذیری گزیده‌ای از اسماءالحسنی که در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر آمده، از منظر الگوهای رایج در بررسی اسامی خاص و به ویژه راهکارهای پیشنهادی بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲) و لیپهالم (۱۹۹۷)، در نُه ترجمه نامبردار قرآن یعنی سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر، چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

عمده چارچوب نظری بحث، در الگوهای پیشنهادی ترجمه‌پژوهان برای ترجمه اسامی خاص، ریشه دارد. در این میان، چند الگو زبانزد است که از آن جمله: نیومارک (۱۹۸۸)، هاروی و هیگنز (۱۹۹۲)، بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲)، لیپهالم (۱۹۹۷)، فرنانـدز[۱۷] (۲۰۰۶) و سارکا[۱۸] (۲۰۰۷) از میان انواع الگوهاست. حال، برای آن‌که بتوان به یافته‌هایی مشخص‌تر دست

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]
[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یافت، این جستار الگـوی لپیهـالم (۱۹۹۷) را اختیـار مـی‌کنـد، لـیکن در فراینـد بررسـی، از راهکارهای پیشنهادی بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲) نیز، استفاده می‌کند.

لپیهالم، در اصل، راهکارهایی را برای ترجمه دو نوع اسامی ارائـه مـی‌کنـد: تلمـیح دار و بدون تلمیح. برای ترجمه هریک از ایـن اسـامی نیـز راهکارهـایی پیشـنهاد مـی‌کنـد. البتـه، اسماءالحسنی در هیچ یک از این دو دسته جای نمی‌گیرد؛ لیکن اگر آن‌هـا را جـزو عبـارات خاص در نظر بگیریم، می‌توان در کل، آن‌ها را جزو اسامی خاص فرهنگـی محسـوب کـرد. از این رو، بر اساس راهکارهای پیشنهادی لپیهالم و بـه ویـژه بیکـر، مـی‌تـوان دریافـت کـه چگونه نُه مترجم مورد نظر، اسامی خداوند را در دو آیه سورهٔ حشر ترجمه کرده‌اند.

لپیهالم، برای ترجمه اسامی خاص، سه راهکار کلی دارد: یا این‌کـه اسـم خـاص، بـدون تغییر در زبان مقصد حفظ شود؛ یا این‌که اسم خاص، از رهگذر جایگزینی بـا اسـمی مشـابه در زبان مبدأ و/یا مقصد، تغییر کند؛ یا این‌که اسم خاص در کل حذف شود (۲۰۰۷: ۷۸-۹).

راهبرد بنیادین لپیهالم برای ترجمه اسامی خاص در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: راهبردهای پیشنهادی لپیهالم (۱۹۹۷)

۱- انتقال همان اسم (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیر مجموعه:
الف) استفاده از همان اسم: برای نمونه، «الرحمن» به Al-Rahman ترجمه شود.
ب) استفاده از همان اسم به همراه توضیح اضافی
ج) استفاده از همان اسم به همراه توضیح جزئیات، مثلاً در قالب پانوشت
۲- جایگزینی اسم با اسمی دیگر که دو زیرمجموعه دارد:
الف) جایگزینی اسم با اسمی دیگر در زبان مبدا؛
ب) جایگزینی اسم با اسمی دیگر در زبان مقصد
۳- حذف اسم که دو زیر مجموعه دارد:
الف) حذف اسم اما انتقال مفهوم به کمک اسم دیگر
ب) حذف هر دو اسم

بیکر (۱۹۹۲:۱۸-۲۲)، ابتدا به چند مشکل ترجمه واژگانی که معادلی دقیق در زبان مقصـد ندارد، اشاره می‌کند که از جمله این مشکلات، برگـردان مفـاهیم فرهنـگ- محـور، مشـکل واژگانی که در زبان مقصد ساخت واژگانی مشابه ندارنـد و واژگـانی کـه از حیـث معنـایی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

پیچیده هستند، است. به نظر می‌رسد در برگردان اسماء الحسنی همین مشکلات نمایان هستند: هم مفاهیمی فرهنگ- محورند، هم ساخت واژگانی مشابه در زبان مقصد ندارند و هم از حیث معنایی و صد البته، سبکی و بلاغی، مفاهیمی پیچیده جلوه می‌کنند. البته، بیکر، برای این مشکلات، راهکارهایی هم پیشنهاد می‌کند که در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: راهبردهای پیشنهادی بیکر (۱۹۹۲)

راهکارهای پیشنهادی بیکر
الف) استفاده از شمولیت[۱۹]
ب) استفاده از معادل‌هایی متعارف‌تر
ج) جایگزینی فرهنگی
د) استفاده از وامواژه[۲۰] با توضیح بیشتر
هـ) بازگزاری[۲۱] یا نقل به معنا با واژگانی مرتبط[۲۲]
و) بازگزاری یا نقل به معنا با واژگانی نامرتبط
ز) حذف

در این جستار، برای بررسی برگردان اسماءالحسنی، نُه مترجم انگلیسی در آیات ۲۳–۲۴ سوره حشر از ترکیب این دو الگو، استفاده می‌شود.

۳- گردآوری دادگان

پیکره اصلی اسامی و صفات خداوند در آیات ۲۳–۲۴ سوره حشر و ترجمه‌های متناظر آن‌ها در نُه ترجمه سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر خواهد بود که در بازه زمانی ۱۷۳٤–۲۰۰٦ قرار می‌گیرند. در ادیان ابراهیمی و به ویژه در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، خداوند با اسامی و القاب خاص، مورد خطاب بوده که «یهوه» و «الوهیم» در سنت یهودی از میان سایر اسامی و «الله» در سنت اسلامی، از اسامی رایج و متداول محسوب می‌شود (در باب اهمیت نام و نامگذاری در سنن ابراهیمی، بنگرید به الملّا ۱۹۸۹). در عین حال، در سنت اسلامی، اسامی و صفاتی خاص را نیز برای

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1] [Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

خداوند در نظر می‌گیرند و در باب اهمیت این اسامی و صفات خداوند در کتب و منابع شیعی و سنی، فراوان سخن گفته شده که البته محل بحث جستار کنونی نیست. در مجموع، بیش از دویست نام برای خداوند در قرآن ذکر شده که جملگی مسلمانان بر نود و نه اسم یا اسماءالحسنی توافق دارند. این اسامی به اعتبار این‌که در *بحارالانوار* مجلسی (ج ٤: ١٧٦) و *التوحید* اثر شیخ صدوق (ج ٨: ١٩٤) آمده، عبارتند از:

الله، الإله، الواحد، الأحد، الصّمد، الأوّل، الآخر، السّميع، البصير، القدير، القاهر، العلی، الأعلی، الباقی، البديع، البارىء، الأكرم، الظّاهر، الباطن، الحی، الحكيم، العليم، الحليم، الحفيظ، الحقّ، الحسيب، الحميد، الحَفِی، الرّبّ، الرّحمن، الرّحيم، الذّاری، الرّازق، الرّقيب، الرّؤوف، الرّائی، السّلام، المؤمن، المهيمن، العزيز، الجبّار، المتكبّر، السيد، السبوح، الشهيد، الصّادق، الصانع، الطّاهر، العدل، العَفُوّ، الغفور، الغنی، الغياث، الفاطر، اَلفرد، الفتّاح، الفالق، القديم، الملک، القدّوس، القوی، القريب، القيوم، القابض، الباسط، قاضی‌الحاجات، المجيد، المولی، المنّان، المحيط، المبين، المقيت، المصوّر، الكريم، الكبير، الكافی، الكاشف، الضّر، الوتر، النّور، الوهاب، النّاصر، الواسع، الودود، الهادی، الوفی، الوكيل، الوارث، البرّ، الباعث، التّواب، الجليل، الجواد، الخبير، الخالق، خيرالنّاصرين، الدّيان، الشكور، العظيم، اللطيف، الشافی.

این اسامی، در سرتاسر سوره‌های قرآن پراکنده است و به طور خاص در دعای جوشن کبیر که در شب‌های قدر قرائت می‌گردد، ذکر شده است. از میان این اسامی، آن صفاتی مورد نظر است که به طور خاص در دو آیه ٢٣ و٢٤ سوره حشر آمده است:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (٢٢) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٢٣) هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢٤)﴾

اهمیت این آیات از حیث روابط بینا- واژگانی، بینا- آیه‌ای و بینا- سوره‌ای و نیز از همه مهم‌تر، زیبایی‌ها و رخشندگی‌های جایگیری این صفات در ترتیب و تبویبی هنرمندانه و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

نظام‌مند و صد البته ویژگی‌های بلاغی خود سوره است: سوره با تسبیح خداوند و با اسماءالحسنی «**العزیز الحکیم**» شروع می‌شود (انتهای آیه ۱) و با همین اسامی نیز پایان می‌پذیرد (انتهای آیه ٢٤). در واقع، هر آنچه در این سوره آمده، میان این دو اسم نیکوی خداوند ذکر می‌شود.

۳-۱- پیکره ترجمه‌ها

ترجمه اسماءالحسنی در این آیات، از ترجمه‌های نامبردار قرآن در بازه‌های زمانی مختلف (۱۷۳٤–۲۰۰٦) و به دلایل مختلف انتخاب شده است: از اولین تا جدیدترین (سیل– نصر)، از میان مترجمان غیرمسلمان (سیل، رادول، آربری) و مسلمان (پیکتال، یوسف‌علی، هلالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر)، بومی زبان انگلیسی (سیل، رادول، آربری، ایروینگ)، بومی زبان عربی (هلالی و خان، و عبدالحلیم)، غیربومی زبان عربی (یوسف‌علی و نصر)، یسوعی به اسلام گرویده (پیکتال)، انگلیسی‌الاصل (سیل، رادول، و آربری)، آمریکایی‌الاصل (ایروینگ)، هندی‌الاصل (یوسف‌علی)، عربستانی (هلالی و خان)، مصری‌الاصل (عبدالحلیم) و ایرانی‌الاصل (نصر).

در سنت مطالعات ترجمه، نایدا (١٩٦٤: ١٤٩)، چهار نوع ترجمه و مترجم را از هم باز می‌شناسد:

۱) مترجمی که از زبان غیربومی به زبان مادری خود ترجمه می‌کند (سیل، رادول، پیکتال، آربری، و ایروینگ)

۲) مترجمی که از زبان مادری خود به زبانی غیربومی ترجمه می‌کند (هلالی و خان، و عبدالحلیم)

۳) مترجمی که از زبانی غیربومی به زبان غیربومی دیگر ترجمه می‌کند (یوسف‌علی و نصر)

٤) مترجم دو زبانه‌ای که زبان‌های مادری خود را به یکدیگر ترجمه می‌کند (هیچکدام).

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]
[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

توجه به این متغیرها ممکن است در انتخاب معادل بـرای اسماءالحسـنی مـؤثر باشـد یـا نباشد. البته، مجال اجازه نمی‌دهد از برخی از جدیدترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن از جملـه ترجمه‌های قرایی، صفارزاده و نیک آیین، ذکر به میان آوریم.

۳-۲- گردآوری دادگان

برای آن‌که بتوان از وضعیت ترجمه اسامی خـاص خداونـد در آیـات پایـانی سـوره حشـر توصیفی به دست داد و راهبردهای مترجمان را در ترجمـه ایـن اسـامی از نزدیـک مشـاهده کرد، ابتدا ترجمه مترجمان را ذکر می‌کنیم. اسماءالحسنی در آیـات ۲۳-۲٤ سـوره حشـر بـه همراه ترجمه انگلیسی در جدول زیر ذکر شده است:

جدول۳: بررسی اسماءالحسنی در آیات ۲۴-۲۳ سوره حشر به همراه ترجمه‌های انگلیسی

نام مترجم	ترجمه اسماءالحسنی الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ... الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ...الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
سیل(۱۷۳۴)	The King, the Holy, the Giver of peace, the Faithful, the Guardian, the Powerful, The Most High…the Creator, the Maker, the Former… (406-407)
رادول(۱۸۶۱)	The King, the Holy, the Peaceful, the Faithful, the Guardian, the Mighty, the Strong, the Most High…The Producer, the Maker, the Fashioner …(433-434)
پیکتال(۱۹۳۰)	the Sovereign Lord, the Holy One, Peace, the Keeper of Faith, the Guardian, the Majestic, the Compeller, the Superb. … the Creator, the Shaper out of naught, the Fashioner.
یوسف‌علی (۱۹۳۴)	the Sovereign, the Holy One, the Source of Peace (and Perfection), the Guardian of Faith, the Preserver of Safety, the Exalted in Might, the Irresistible, the Supreme: … the Creator, the Evolver, the Bestower of Forms (or Colours)
آربری (۱۹۵۵)	the King, the All-holy, the All-peaceable, the All-faithful, the All-Preserver, the All-mighty, the All-compeller, the All-sublime…the Creator, the Maker, the Shaper.
هلالی و خان (۱۹۷۴)	The King, the Holy, the One Free from all defects, the Giver of security, the Watcher over His creatures, the All-Mighty, the Compeller, the Supreme …the Creator, the Inventor of all things, the Bestower of forms

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

the Sovereign, the All-holy, the All-benign, the Securer, the All-conserver, the All-mighty, the All-compeller, the All-magnanimous. … the Creator, the Maker, the Former.	**ایروینگ (۱۹۸۵)**
the Controller, the Holy One, Source of Peace, Granter of Security, Guardian over all, the Almighty, the Compeller, the Truly Great; … the Creator, the Originator, the Shaper.	**عبدالحلیم (۲۰۰۴)**
the Sovereign, the Holy, Peace, the Faithful, the Protector, the Mighty, the Compeller, the Proud. … the Creator, the Maker, the Fashioner;	**نصر(۲۰۰۶)**

۳-۳- توصیف و تحلیل ترجمه‌ها

اول، در باب معانی و تعابیر این اسامی میان مفسران، اجماع کلی دیده نمی‌شود، لیکن در عمده تفاسیر، برخی معناها وجوه مشترک دارند (بنگرید به طباطبایی، ترجمه *المیزان*، ج ۱۹: ۳۸۲-۳؛ قرائتی، تفسیر *نور*، ج ۹: ٥٦٤؛ شیخ‌طوسی، ترجمه *تفسیر تبیان*، ج ۲٤: ۳٤۹-۳۵۰؛ آلوسی، *روح‌المعانی*، ج ۱٤: ۲٥٦؛ *روض‌الجنان*، ج ۱۹: ۱٤۲-۱٤۳؛ طبرسی، ترجمه *تفسیر جوامع‌الجامع*، ج ٦: ۲۸۸-۲۸۹؛ کاشانی، *تفسیر خلاصه منهج‌الصادقین*، ج ٦: ۱٥۱-۲؛ محلی، *تفسیر الجلالین*، ج ۱: ٥۱؛ از میان سایر تفاسیر شیعی و سنی متداول). برای نمونه، در تفسیر *علیین* (کریمی حسینی، ج ۱: ٥٤۸) معنای این اسامی به شرح زیر است:

الْقُدُّوس: از هر عیب و نقص و آفت پاک است و از هر زشتی منزه است.

السَّلامُ: به دو معنا آمده است: ۱) سالم است و عیب‌ناک نیست. ۲) بندگان از ظلم او در امان هستند.

الْمُؤْمِنُ: ایمن‌بخش؛ چون بندگان از ظلم آن در امنیت هستند.

الْمُهَيْمِنُ: به چند معنا آمده است: ۱) امین. ۲) مؤمن. ۳) رقیب. اصل آن «مئیمن» از «امن» است؛ همزه مبدل به «ها» شد، تا لفظ هم مانند معنی با ابّهت و با عظمت باشد.

الْعَزِيزُ: قادری که مغلوب نمی‌شود.

الْجَبَّارُ: عظیم‌الشأن در فرمانروایی. به کار بردن «جبار» در باری تعالی مدح است و به کار بردن آن در غیرخدا ذمّ است.

الْمُتَكَبِّرُ: مستحق صفات تعظیم.

الْبارِئُ: خالق. **الْمُصَوِّرُ**: صورت‌بخش اشیا.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

دوم، به نظر می‌رسد مترجمان، اسماءالحسنی را به طرق مختلف ترجمه کرده‌اند، و استفاده از دو الگوی بیکر (۱۹۹۲) و لپیهالم (۱۹۹۷) نشان می دهد که مترجمان از چه شیوه‌هایی ترجمه کرده و کدام راهکارها را برای ترجمه این اسامی فرهنگ- محور انتخاب کرده‌اند.

۳-۳-۱- الْمَلِکُ

در ترجمه *المیزان* (ج۱۹: ۳۸۲)، ملک، در معنای «مالک تدبیر امور مردم، و صاحب اختیار آنان»، آمده است. این واژه، دو معنای مرتبط به هم دارد: پادشاه و صاحب‌اختیار. سیل، رادول، آربری، و هلالی و خان، آن را به king برگردانده‌اند که به معنای «پادشاه» است که نوعی «شبه- ترادف»[۲۳] است. از نظر بیکر، معادلی شمول و در عین حال متعارف و تحت‌اللفظی است که معادل دقیق «الملک» نیست و بیش‌تر مترجمان قرآن king را معادلی برای «الله» پیشنهاد کرده‌اند که نوعی جایگزینی فرهنگی است، چون دربرگردان انگلیسی کتاب مقدس، معادل «یهوه» آمده است. پیکتال، یوسف‌علی، ایروینگ و نصر به sovereign ترجمه کرده‌اند که به معنای «برخورداری از بیش‌ترین توانمندی و استقلال کامل»، است. به نظر می‌رسد مترجمان از جایگزینی با معادلی آشناتر و در عین حال، خاص‌تر در فرهنگ مقصد استفاده کرده‌اند که نوعی شبه- ترادف نیز محسوب می‌شود. عبدالحلیم آن را به controller برگردانده که معادلی عام‌تر و بدون بار معنایی و سایه‌روشن‌های «الملک» است.

جدول ۴: بررسی ترجمه‌های «الْمَلِکُ »

نام مترجم	معادل
سیل	king
رادول	king
پیکتال	Sovreign One
یوسف‌علی	Sovereign
آربری	king
هلالی و خان	king
ایروینگ	sovereign
عبدالحلیم	controller
نصر	sovereign

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

۳-۳-۲- الْقُدُّوسُ

اسم مبالغه بر وزن فعول است؛ یعنی بسیار پاک، مأخوذ از «واژه قدس بـه معنـای نزاهـت و پاکی» (*ترجمه المیزان*، ج ۱۹: ۳۸۲). همه مترجمان به the holly یـا All-Holly یـا the Holy-one برگردانده‌اند که «جایگزینی با معادلی مشابه اما متعارف‌تر در زبان مقصد» است. پیکتـال و عبدالحلیم با افزودن one معنای آن را خاص‌تر کرده‌اند. آربری و ایروینـگ بـا افـزودن all دست به بسط معنایی[۲۴] زده‌اند.

جدول ۵: بررسی ترجمه‌های «الْقُدُّوسُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Holy
رادول	the Holy
پیکتال	the Holy One
یوسف علی	the Holy
آربری	the All-holy
هلالی و خان	the Holy
ایروینگ	the All-holy
عبدالحلیم	the Holy One
نصر	the Holy

۳-۳-۳- السَّلَامُ

سلام، دو معنا دارد: سلامتی و ایمن بودن (آلوسی: ۲٥٦). جملگی مترجمان معنـای دوم را در نظر داشته‌اند و هلالی و خان، معنای اول را.

سیل، تحت‌اللفظی ترجمه کرده؛ یوسف‌علی و عبـدالحلیم، بـا افـزودن کلمـاتی، تصـریح معنایی انجام داده‌اند. ایروینگ، معادلی مشابه و خاص‌تر را جایگزین کرده است.

هلالی و خان به بازگزاری و نقل معنا با واژگانی مرتبط (در تقسـیم‌بنـدی بیکـر)، دسـت زده اند. سایرین، معنای «سلامتی» را انتقال داده‌اند.

جدول ۶: بررسی ترجمه‌های «السَّلَامُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Giver of peace
رادول	the Peaceful

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

پیکتال	Peace
یوسف علی	the Source of Peace (and Perfection)
آربری	the All-peaceable
هلالی و خان	the One Free from all defects
ایروینگ	the All-benign
عبدالحلیم	Source of Peace
نصر	Peace

۳-۳-۴- الْمُؤْمِنُ

مؤمن، از أمن مشتق شده، بـه معنـای ایمنـی و آرامـش قلـب (قرشـی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۲۳). در ترجمه *تفسیر المیزان* به معنای امنیـت‌بخـش و پنـاه‌دهنـده آمـده اسـت (ج ۱۹: ۳۸۲). سـیل، رادول و نصر، the Faithful را آورده‌اند؛ به معنای صاحب ایمان. پیکتـال، «صـاحب ایمـان»، معادل‌یابی کرده؛ یوسف‌علی به «محافظ ایمان»؛ هلالی و خان و عبدالحلیم به «ایمنی‌بخـش»، برگردانده‌اند که نقل به معناست و البته به معنـای پیشـنهادی *تفسـیر المیـزان* نزدیـک اسـت. ایروینگ نیز، securer معادل‌یابی کرده که به معنای «محکم، پابرجـا، و اسـتوار» (حـق‌شـناس، ۱۳۸۰: ۱۵۳۰)، است. مترجمان تلاش کرده‌اند با جـایگزینی اسـم یـا اسـامی بـا بـار معنـایی خاص، وجوهی از معناهای «المؤمن» را بازتاب دهند.

جدول ۷: بررسی ترجمه‌های «الْمُؤْمِنُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Faithful
رادول	the Faithful
پیکتال	the Keeper of Faith
یوسف علی	the Guardian of Faith
آربری	the All-faithful
هلالی و خان	the Giver of security
ایروینگ	the Securer
عبدالحلیم	Granter of Security
نصر	the Faithful

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

۳-۳-۵- الْمُهَيْمِنُ

طباطبایی در *المیزان* آن را به معنای غلبه و تسلط یافتن معنا کرده است (ج ۱۹: ۲۲۲). سیل، رادول و آربری آن را به guardian برگردانده‌اند که جایگزینی با اسمی با کارکرد مشابه است. پیکتال واژه faith را هم افزوده که جایگزینی با اسمی مشابه به همراه تخصیص آن با توضیحی بیش‌تر است. هلالی و خان giver of security و عبدالحلیم granter of security برگردانده‌اند که تحت‌اللفظی است و بسط معنایی پیدا کرده است. آربری به all-preserver و نصر به protector برگردانده‌اند که معادل‌یابی دقیق نیست؛ چون همه مترجمان معنای «غبله» و «استیلا» را که در واژه مهیمن مستتر است، به «حفیظ» تعبیر کرده و از همین روست که از guardian و protector استفاده کرده‌اند.

جدول ۸: بررسی ترجمه‌های «الْمُهَيْمِنُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Guardian
رادول	the Guardian
پیکتال	the Guardian
یوسف علی	the Preserver of Safety
آربری	the All-Preserver
هلالی و خان	the Watcher over His creatures
ایروینگ	the All-conserver
عبدالحلیم	Guardian over all
نصر	Guardian over all

۳-۳-۶- الْعَزِيزُ

عزیز دو معنا دارد: آن‌که نمی‌توان بر او غالب شد و آن‌که از هرگونه دسترسی مبراست (طبرسی، ج ۹: ٤٠٠). همچنین، آن‌که هرچه دیگران دارد از نزد اوست (طباطبایی، ج ۱۹: ۳۸۲). مترجمان به طرق مختلف معادل‌یابی کرده‌اند. رادول و نصر به mighty برگردانده‌اند که شبه- ترادف است. آربری، هلالی و ایروینگ، به All-mighty و آربری و ایروینگ، به all-preserver و all- conserver برگردانده‌اند که بسط معنایی است. سیل نیز، به powerful

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

و پیکتال نیز به majestic برگردانده‌اند که جایگزینی با معادلی با کارکرد مشابه است. یوسف‌علی نیز، به exalted in might معادل‌یابی کرده که بسط معنایی است. هریک از مترجمان، به وجهی از معانی چندگانه این اسم نظر داشته‌اند.

جدول ۹: بررسی ترجمه‌های «الْعَزِیزُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Powerful
رادول	the Mighty
پیکتال	the Majestic
یوسف علی	the Exalted in Might
آربری	All-mighty
هلالی و خان	All-mighty
ایروینگ	All-mighty
عبدالحلیم	the Almighty
نصر	the Mighty

۳-۳-۷- الْجَبَّارُ

ایزوتسو (١٣٨٨: ٣٠٤)، واژه جبار را در حوزه معنایی کفر و همراه با متکبر ذکر کرده است. از این رو، صفتی سلبی است. در لغت، «به درخت بلند خرما می‌گویند که دست به آن نمی‌رسد» (سیدی، ١٣٩٠: ١١٧). در خصوص خداوند این صفت یعنی آن قدر خداوند بلندمرتبه است که کسی را یارای درک ذات و صفات او نیست (رازی: ٨٤ منقول در سیدی، همان‌جا).

پیکتال، هلالی و خان، عبدالحلیم و نصر، به compeller برگردانده‌اند که از نظر بیکر، معادلی مشابه، اما متعارف است. آربری و ایروینگ، واژه all را نیز افزوده‌اند که نوعی بسط معنایی است. سیل، ترجمه نکرده، رادول، به strong و یوسف‌علی هم، به irresistible برگردانده‌اند که هر دو شبه- ترادف‌اند و وجهی از معنای «جبار» را نشان می‌دهند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

جدول ۱۰: بررسی ترجمه‌های «الْجَبَّارُ»

نام مترجم	معادل
سیل	-
رادول	the Strong
پیکتال	the Compeller
یوسف علی	the Irresistible
آربری	the All-Mighty
هلالی و خان	the Compeller
ایروینگ	the All-Mighty
عبدالحلیم	the Compeller
نصر	the Compeller

۳-۳-۸- الْمُتَكَبِّرُ

مترجمان، به طرق مختلف ترجمه کرده‌اند. سیل و رادول، به the most high معادل‌یابی کرده‌اند که دقیق نیست. یوسف‌علی، و هلالی و خان، به the supreme برگردانده‌اند که یک وجه از معنای المتکبر را نشان می‌دهد. آربری، all-sublime آورده که معنای شکوهمند دارد و کامل نیست. ایروینگ، all- magnanimous آورده که بر شکوهمندی تأکید دارد و بسط معنایی است. عبدالحلیم، truly great آورده که تحت‌اللفظی است و نصر نیز، proud آورده که معنای تحت‌اللفظی متکبر را نشان می‌دهد و بیش‌تر بر معنا و مفهوم منفی دلالت دارد.

جدول ۱۱: بررسی ترجمه‌های «الْمُتَكَبِّرُ»

نام مترجم	معادل
سیل	The Most High
رادول	The Most High
پیکتال	the Superb
یوسف علی	the Supreme
آربری	the All-sublime
هلالی و خان	the Supreme
ایروینگ	The All-magnanimous
عبدالحلیم	the Truly Great
نصر	the Proud

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]
[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پس از این اسامی نیکو، آیه ٢٣ با عبارت ﴿**سُبْحَانَ اللَّـهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ**﴾، پایان می‌یابد و آیه ٢٤ آغاز می‌شود. در این آیه، سه اسم نیکو در ابتدای آیه ذکر شده و دو اسم «العزیز الحکیم» نیز، در پایان آیه آمده است. عجالتاً، به سه اسم ابتدایی اشاره می‌شود. این سه اسم هریک وجهی از وجوه آفرینندگی خداوند را نشان می‌دهند. در ترجمه *تفسیر المیزان* آمده است:

کلمه" خالق" به معنای کسی است که اشیایی را با اندازه‌گیری پدید آورده باشد و کلمه" بارئ" نیز، همان معنا را دارد، با این فرق که" بارئ" پدید آورنده‌ای است که اشیایی را که پدید آورده از یکدیگر ممتازند و کلمه "مصور" به معنای کسی است که پدید آورده‌های خود را طوری صورتگری کرده باشد که به یکدیگر مشتبه نشوند. بنابراین، کلمات سه‌گانه، هر سه، متضمن معنای ایجاد هستند؛ اما به اعتبارات مختلف که بین آن‌ها ترتیب هست، برای این‌که تصویر فرع این است که خدای تعالی بخواهد موجودات را متمایز از یکدیگر خلق کند و این نیز فرع آن است که اصلاً بخواهد موجوداتی بیافریند (ج ١٩: ٣٨٢).

٣-٣-٩- الْخَالِقُ

در اصل، خلق‌کردن از هیچ چیز است. از نظر زمخشری (منقول در سیدی ١٣٩٠: ٢٢٩)، «خالق آن است که ایجاد می‌کند و به اندازه می‌آفریند و بارئ یعنی آن که اشیاء را به شکل‌های مختلف از یکدیگر متمایز می‌سازد». جز رادول که producer معادل‌یابی کرده که تحت‌اللفظی است، سایر مترجمان creator (ایجادکننده و آفریننده) آورده‌اند که معادل‌یابی با اسمی مشابه و کارکردی یکسان است.

جدول ١٢: بررسی ترجمه‌های «الْخَالِقُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Creator
رادول	the Producer
پیکتال	the Creator

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

یوسف علی	the Creator
آربری	the Creator
هلالی و خان	the Creator
ایروینگ	the Creator
عبدالحلیم	the Creator
نصر	the Creator

۳-۳-۱۰- الْبَارِئُ

به معنای پدیدآورنده‌ای است که پدیده‌هایش از یکدیگر متمایز باشند (قرائتی، ج ۹: ٥٦٥). از این رو، «بارئ» از ریشه «برء»، بسط و گسترش‌دادن هر آن‌چیزی است که پیش‌تر خلق شده است. از این رو، آن را مرحله‌ای میان «خلق» و «صورت» می‌دانند. سیل، رادول، آربری، ایروینگ و نصر، به maker برگردانده‌اند که به معنای «سازنده» است و ساختن، بر اساس چیزی از پیش، مخلوق را به ذهن متبادر می‌کند و جایگزینی با اسمی مشابه و کارکردی یکسان در زبان مقصد است. پیکتال، به shaper out of naught برگردانده که دقیق نیست؛ چون «بارئ» از پی فرایند خلقت خالق می‌آید. یوسف‌علی، به evolver برگردانده که تا حدودی افاده معنا می‌کند. هلالی و خان، به inventor of all things برگردانده‌اند که در معنای «ابداع همه چیزهای از پیش موجود» و معنای «ساختن پس از خلق» را نشان می‌دهد و جایگزینی با اسمی مشابه و تعمیم معنایی است. عبدالحلیم نیز، به originator برگردانده که اگر در معنای مبدع باشد، افاده معنا می‌کند. همچنین، این معادل، «از کتم عدم آفریدن» یا « آغازیدن از هیچ» نیز، معنا می‌دهد که مناسب اسم «الخالق» است.

جدول ۱۳: بررسی ترجمه‌های «الْبَارِئُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Maker
رادول	the Maker
پیکتال	the Shaper out of naught
یوسف علی	the Evolver
آربری	the Maker
هلالی و خان	the Inventor of all things
ایروینگ	the Maker

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

عبدالحلیم	the Originator
نصر	the Maker

۳-۳-۱۱- الْمُصَوِّرُ

به معنای صورتگری و شکل‌دادن است که پس از خلق و ابداع می‌آید. سیل و ایروینگ، به former برگردانده‌اند که به معنای «شکل‌دهنده» است. رادول، پیکتال و نصر، به fashioner برگردانده‌اند که به معنای «صورت‌دادن» است. آربری و عبدالحلیم، shaper آورده‌اند که مترادف «شکل‌دادن» است. یوسف علی، the Bestower of Forms (or Colours) تصریح معنایی کرده است و هلالی و خان نیز، همین معادل را برگزیده‌اند.

جدول ۱۴: بررسی ترجمه‌های «الْمُصَوِّرُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Former
رادول	the Fashioner
پیکتال	the Fashioner
یوسف علی	the Bestower of Forms (or Colours)
آربری	the Shaper
هلالی و خان	the Bestower of forms
ایروینگ	the Former
عبدالحلیم	the Shaper
نصر	the Fashioner

۴- بحث و بررسی

اگر از منظر شیوه‌های دوگانه مرسوم در مطالعات ترجمه، یعنی صوری/پویا (نایدا، ١٩٦٤)، معنایی/ارتباطی (نیومارک، ۱۹۸۱) و مستقیم/غیرمستقیم (وینی و داربلنه، ۱۹۸۲/۱۹۵۸) و از میان سایر دوگانه‌ها نگاه کنیم، عمده مترجمان یا از ترجمه مستقیم/تحت‌اللفظی استفاده کرده‌اند، یا این‌که تلاش کرده‌اند اسامی خداوند را با معادل‌هایی مناسب در زبان مقصد (۲ب)، جایگزین کنند که از جمله راهکارهای پیشنهادی لیپهالم است، یا از معادل‌هایی متعارف‌تر یا بسط معنایی و بازگزاری با کلمات مرتبط استفاده کرده‌اند که از راهکارهای

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

پیشنهادی بیکر محسوب می‌شود. در واقع، به نظر می‌رسد همه مترجمان گرچه معادل‌های مختلف برای این اسامی پیشنهاد داده‌اند، نتوانسته‌اند تمام وجوه رنگارنگ مشتمل بر مفاهیم دینی و وجوه سبکی یعنی ویژگی‌های آوایی، ایقاعی و موسیقیایی این اسامی را بازتاب و انتقال دهند و شیوه غالب آن‌ها در ترجمه، استفاده از راهبرد شیوه معنایی[۲۵] و انواع فرعی آن به ویژه ترجمه تحت‌اللفظی[۲۶] بوده و در این میان تلاش کرده‌اند اسامی خداوند را با اسامی مشابه جایگزین کنند که گاه، در زبان مقصد، تعادلی کارکردی[۲۷] پیدا کرده‌اند و گاه، پیدا نکرده‌اند.

در این‌جا، می‌توان مشکلات و مسایل پیش روی مترجمان در برگرداندن اسماءالحسنی را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

اول این‌که، مفاهیم و اصطلاحات قرآنی و به ویژه اسماءالحسنی در سنن اسلامی دارای بارهای معنایی و تلویحات چندلایه و ژرف است و از این رو، گاه، بخشی از معانی چندگانه آن‌ها از دست می‌رود که در مطالعات ترجمه از آن به فقدان/باخته[۲۸] یاد می‌کنند. از این حیث، این اسامی، به سهولت تن به ترجمه نمی‌دهند و سخت‌ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند. برای نمونه، مترجمی مانند سیل، درست است که از اسامی مشابه در زبان مقصد استفاده کرده، لیکن معادل‌هایی که برگزیده، تحت‌اللفظی است (مانند معادل‌یابی برای «الملک» و «السلام») که وجوه معنایی چندگانه این اسامی و صفات را نشان نمی‌دهد. یا این‌که در یک مورد مانند «الجبار»، نتوانسته مفاهیم دینی این اسم را انتقال بدهد و آن را حذف کرده است.

دوم، در عین این‌که، در برگردان مفاهیم و اصطلاحات خاص قرآنی، علی‌العموم و اسماءالحسنی به طور خاص، ویژگی‌های سبکی مشتمل بر وجوه آوایی، ایقاعی، هارمونیک و موسیقیایی نیز مطرح می‌شود که عمدتاً در ترجمه‌ها از دست رفته است؛ که البته تا اندازه‌ای طبیعی است و گریزناپذیر می‌نمایاند؛ چون ویژگی‌هایی آوایی و موسیقیایی از اولین مواردی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

است که به سبب تغییرات آوایی دو زبان، از دست می‌رود. در این‌جا نیز نوعی فقدان/باخته ابتدا در سطوح آوایی و بالتبع، در سطوح معنایی رخ می‌دهد.

سوم، فقدان آوایی و معنایی، سبب از دست رفتن انسجام متنی[٢٩] و بافتی نیز می‌شود، چه برای نمونه، در دو آیه انتهایی سوره حشر، تکرار اسماءالحسنی نوعی پیوستگی و انسجام متنی بینا- واژگانی، بینا- آیه‌ای در متن خود آیات ٢٢-٢٣ و میان- آیه‌ای هم‌راستا با آیات پیشین برقرار می‌کند که در برگردان تحت اللفظی عمده مترجمان از دست رفته است. از این حیث، توجه به بافت برون/درون زبانی و سیاق آیات، نکاتی است که از دید مترجمان پیش‌گفته، مغفول مانده است. در واقع، مترجمان این اسامی را واژگانی جدا و مستقل فرض کرده‌اند، حال آن‌که در اصل متن قرآن، این واژگان، مجموعه‌ای به هم پیوسته از معنا و مفاهیم را در ساختار بلاغی کارآمد نشان می‌دهند. زیباییِ مرتب شدن این صفات، یکی پس از دیگری بدون استفاده از حرف ربط «و»، «زیبایی تألیف و ساختی گوش‌نواز با سبکی روان» (کواز، ١٣٨٦: ٢٨٠) را نشان می‌دهد. در سبک بلاغی قرآن، از این ویژگی به فصل بلاغی[٣٠] یاد می‌شود که در آن حرف ربط «واو» میان دو یا چند واژه یا جمله حذف می‌شود. میر (١٣٩٠: ٨٨)، می‌نویسد:

حذف حرف ربط میان صفات الاهی نشان می‌دهد که فقط خداوند است که کنش آفرینش را در سیر تکوینی آن تکامل می‌بخشد: او مبدع آفرینش است (الخالق)؛ او نقصان را از هر آنچه خلق کرده، می‌زداید (الباری؛ مقایسه کنید با مجسمه‌سازی که اضافات را می‌زداید)؛ و سرانجام این‌که، او به هرآنچه خود آفریده، شکل مناسب خود را می‌بخشد (المصوّر). بنابراین، شگرد فصل بلاغی بر این نکته تأکید می‌کند که فقط یک خداست که می‌تواند این سه کنش را انجام دهد؛ اویی که تنها خالق و بنابراین، تنها آفریدگار است.

در این‌جا، فقدان یا حذف حرف ربط، نشان می‌دهد که واژگان یا رخدادها در نبود فاصله مکانی یا تأخیر زمانی، فشرده شده و با هم رابطه‌ای نزدیک پیدا می‌کنند (همان‌جا). از این رو، لازم است در برگردان واژگان و مفاهیم خاص گفتمان قرآنی و به ویژه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

اسماءالحسنی، علاوه بر سطوح واژگانی، به سطوح نحوی، معنایی و به ویژه بلاغی قرآن هم توجه نشان داد، چه در این آیات، چینش واژگان و اسامی به گونه‌ای است که بحث تقدم و تأخر در آن‌ها قابل توجه است.

چهارم و مهم‌تر این‌که برخی از این اسامی در سور دیگر نیز، تکرار شده‌اند و لزوم حفظ پیوستگی و یک‌دستی معنایی یا تغییر و تنوع در معادل‌یابی در پرتو بافت و سیاق آیات، لازم و ضروری است. به دیگر سخن، لازم است که مترجمان در فرایند ترجمه به موقعیت بافتی اسماءالحسنی نیز توجه کنند.

۵- نتیجه گیری

بر اساس پرسش اصلی تحقیق که بیان ویژگی‌های سخت‌ترجمه‌پذیری اسماءالحسنی در گزیده‌ای از ترجمه‌های انگلیسی قرآن است، جستار حاضر به نتایج زیر دست یافت:

۱) بررسی تعاریف اسماءالحسنی در منابع تفسیری شیعی و سنی، نشان می‌دهد که میان مفسران بر سر معناها و تعابیر این اسامی اجماع نظر دیده نمی‌شود.

۲) به همین نسبت، میان مترجمان بر سر معادل‌یابی دقیق، برای این اسامی هم، اجماع نظر دیده نمی‌شود و بسته به این‌که، مترجم به کدام منبع تفسیری دسترسی داشته و کدام وجوه معنایی یا سبکی را لحاظ کرده است، برگردان‌های مختلف و بیش‌تر تحت‌اللفظی، ارائه داده‌اند. در واقع، مترجمان معادل‌های خود را بدون توجه به ساخت واژگانی، معنایی و بلاغی این اسامی، ارائه داده‌اند.

۳) از میان مترجمان، سیل، در مقام اولین و رادول، در مقام دومین مترجم غیرمسلمان و انگلیسی‌الاصل، برگردان اسامی را بیش‌تر تحت‌اللفظی و نزدیک به فرهنگ مبدأ ترجمه کرده‌اند. با این حال، پیکتال، در مقام اولین مترجم انگلیسی‌زبان یسوعی زاده، که به اسلام گرویده، تلاش‌کرده حساسیت‌های فرهنگ اسلامی را هم نشان بدهد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

٤) یوسف‌علی، در مقام مترجم مسلمان غیرعرب‌زبان هندی‌الاصل، تلاش‌کرده برای تبیین وجوه مختلف اسامی خداوند، از تصریح و تخصیص معنایی استفاده کند و اسامی را برای ادراک‌پذیری خواننده انگلیسی با توضیحاتی همراه کند.

٥) آربری، در مقام مترجم غیرمسلمان انگلیسی زبان، تلاش کرده بارهای عاطفی و معناهای اسامی را با وسواس بیش‌تر ترجمه کند.

٦) هلالی و خان و عبدالحلیم، در مقام بومیان دو کشور عربی مسلمان، وجوه معنایی اسامی در فرایند معادل‌یابی را با دقت بیش‌تری نشان داده، هرچند گاه، معادل‌ها را تحت‌اللفظی ذکر کرده یا نتوانسته‌اند به سایر وجوه توجه نشان دهند.

٧) نصر نیز، در مقام مترجم ایرانی مسلمان و غیربومی زبان عربی، تلاش کرده در انتخاب معادل‌ها، ایجاز و اختصار را فراموش نکند و به وجوه معنایی اسامی توجه نشان داده، هرچند گاه، در برگردان، فقط به یک وجه ظاهری اسم، توجه داشته، مانند واژه «متکبر» که آن را به «مغرور» برگردانده است.

٨) در مجموع، عدم اجماع نظر مترجمان در انتخاب معادل‌ها نشان می‌دهد که یا منابع تفسیری آن‌ها یکسان نبوده یا این‌که به ویژگی‌های واژگانی یا معنایی و به ویژه بلاغی این اسامی کم‌تر عنایت داشته‌اند.

۶- مطالعات آتی

در تحقیقی جداگانه می‌توان ترجمه تمامی نود و نه اسم نیکوی خداوند را در ترجمه‌های مشهور انگلیسی و فارسی به صورت تطبیقی بررسی و به حفظ پیوستگی و یک‌دستی معادل‌های پیشنهادی مترجمان دقت کرد. همچنین، می‌توان اسامی خداوند را در سه کتاب ابراهیمی به صورت تطبیقی بررسی و تحلیل کرد. نتایج این تحقیق را نیز می‌توان با نتایج سایر تحقیق‌های مرتبط و مبتنی بر سایر الگوها، بررسی تطبیقی کرد تا وجوه مشترک و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

متفاوت در ترجمه اسماءالحسنی را نشان داد. همچنین، می‌توان از سایر الگوهـای پیشـنهادی برای برگردان اسامی خاص نیز استفاده کرد و دریافت که کدام راهکارها بسامد بالاتر دارد.

۷- پی‌نوشت

1 Similarity
2 Equivalence
3 Divine Names
٤ . این نکته را مرهون تذکر یکی از داوران مجله حاضر هستم. از ایشان تشکر می کنم.
5 Proper Names
6 Newmark
7 Harvey & Higgins
8 Lippihalme
9 Cultural-bound Names
10 Translation Memory
11 Bilingual Concordance
12 Lexical Compression
13 Word Class
14 Voids
15 Near Synonymy
16 Structure Change
17 Fernandes
18 Sarka
19 Superordinate
20 Loan Words
21 Paraphrase
22 Related Words
23 Near-Synonymy
24 Semantic Expansion
25 Semantic Strategy
26 Literal Translation
27 Functionally Equivalence
28 Loss
29 Textual Coheence
30 Asyndeton

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

٨- منابع

١- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (١٤١٥ق).

٢- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن (بیست مجلد)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (١٤٠١ق).

٣- ایزتسو، توشیهیکو، *مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (١٣٨٨ش).

٤- پیرنجم‌الدین، حسین، «بررسی تلمیح اسامی خاص در ترجمه‌های انگلیسی گلستان»، *مطالعات ترجمه*، سال پنجم، شماره ١٩، صص ٥-٢٢، (١٣٨٦ش).

٥- حری، ابوالفضل، «سخت ترجمه‌پذیری کتاب المبین به منزله اثری ادبی»، *مطالعات ترجمه*، سال پنجم، ش ١٧، صص ٥-٢٦، (١٣٨٦ش).

٦- حق شناس، علیمحمد، *فرهنگ معاصر هزار (انگلیسی- فارسی)*، تهران: نشر فرهنگ معاصر، (١٣٨٠ش).

٧- سیدی، سیدحسین، *تغییر معنایی در قرآن: بررسی رابطه بینامتنی قرآن با شعر جاهلی*، تهران: سخن، (١٣٩٠ش).

٨- کریمی حسینی، عباس، *تفسیر علیین*، قم: اسوه، (١٣٨٢ش).

٩- صفارزاده، طاهره، *ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید* (فارسی- انگلیسی)، تهران: نشر سایه، (١٣٧٩ش).

١٠- طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان (بیست مجلد)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (١٣٧٤ش).

١١- طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع (شش مجلد)*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (١٣٧٥ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، تهران: فراهانی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (بی‌تا).

۱۳- عنابی‌سراب، محمدرضا، «بررسی ترجمه اسامی خاص در رمان‌های ترجمه شده از انگلیسی به فارسی برای نوجوانان»، *مطالعات ترجمه*، سال هفتم ، شماره ۲۸، صص ۳۰-۹، (۱۳۸۸ش).

۱٤- قرائتی، محسن، *تفسیر نور (ده مجلد)*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۳۸۸ش).

۱٥- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۳۷۲ش).

۱٦- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *تفسیر خلاصه منهج الصادقین: مسمی به خلاصة المنهج* (شش مجلد)، تهران: اسلامیه، (۱۳٦۳ش).

۱۷- کواز، محمدکریم، *سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن*، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: سخن، (۱۳۸٦ش).

۱۸- محلی، محمدبن احمد، *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، (۱٤۱٦ق).

۱۹- میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین، *فنون و صنایع ادبی در قرآن*، در *مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی: رویکردهای زبانی- سبک‌شناختی*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر، (۱۳۹۰ش).

۲۰- میرزا سوزنی، صمد، ترجمه اسامی خاص مشکلات و راهکارها، *مطالعات ترجمه*، سال ششم، شماره ۲۱ ، صص ۷-۲٤، (۱۳۸۷ش).

۲۱- هدایی، علیرضا، نقدی بر ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید، *کتاب ماه دین*، ش ٤۳، صص ۳-۷، (۱۳۸۰ش).

22- Abdel-Haleem, M.A.S.. *The Qur'an: A New Translation*. New York: Oxford University Press. (2004).

23- Abdelwali, M.. The loss in the translation of the Qur’an. *The Translation Journal*, 11(2). Retrieved from http://www.translationjournal.net/journal/00toc.htm (2007).

24- Abdul-Raof, H.. *Qur’an Translation: Discourse, Texture and Exegesis*. London: Curzon. (2001).

25- Al Ghamdi, S. A. S.. *Critical and Comparative Evaluation of the English Translations of the Near-Synonymous Divine Names in the Quran*. Unpublished PhD dissertation, The University of Leeds. (2015).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]

26- Al-Hilali, M. T., and Khan, M. M.. *Translation of the Meanings of* the *Noble Qur'an in the English Language.* Madina: King Fahd Complex for the Printing of the Holy Qur'an. (1983).
27- Al-Mulla, S.. *The Question of the Translatability of the Qur'an, With Particular Reference of Some English Versions*. Unpublished PhD Thesis: University of Glasgow. (1989).
28- Arberry, A. J.. *The Koran Interpreted*. London: George Allen & Unwin. (1955).
29- Baker, M.. *In Other Words: A Course Book on Translation*. London and New York: Routledge. (1992/2018).
30- Farahani, M. & Amjad, F.. Problems and Strategies in English Translation of Quranic Divine Names. *International Journal of Linguistics*, *5*(1), pp. 128-142. (2013).
31- Fernandes, L.. *Translation of names in children' s fantasy literature: Bringing young reader into play*. [On-line]. Available at http://www.iatis.org/newvoices/issues/2006/fernandes-paper-2006.pdf. (2006).
32- Hervey, S., & Higgins, I. (1992). *Thinking Translation*. London and New York: Routledge. (1992)
33- Irving, T. B.. *the Qur'an: the First American Translation*. Brattleboro: Amana Books. (1985).
34- Leppihalme, R..*Culture Bump: An Empirical Approach to the Translation of Allusions.*UK*:* British Library. (1997).
35- Nasr, S. H.. *The Study of Quran: A New Translation and Commentary*. New York: Harper Collins Publisher. (2015).
36- Nazerian, S., & Abassian, G.. Translation of the Qur'anic Divine Attributes: (a Gender-Based Approach to the Problems and Strategies). Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/312196923. (2017).
37- Newmark, P.. *A textbook of translation*. London: Prentice Hall International. (1988).
38- Pickthall, M.. *The Meaning of the Glorious Qur'an: An Explanatory Translation.* London: George Allen & Unwin Ltd. (1930/1969).
39- Rodwell J.. *The Koran—Translated from the Arabic*. London: J.M. Dent & Co. (1861).
40- Sale, G. (1734). *The Koran Commonly Called the Al-Koran of Mohammed*. New York: W. Allison Co. (1734).
41- Särkkä, H.. *Translation of proper names in non-fiction texts* [on-line]. Available at http://translationjournal.net/journal/39proper.htm. (2007).
42- Yusuf Ali, A. Preface. *The Holy Qur'an: Translation and Commentary*. By Ali. Jeddah, Arabia: Dar Al-Qiblah. (1934/1982).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.11.1.1]